

تکدرخت و تاویل آن

(بررسی داستان تکدرخت عبدالحسین زرین کوب از منظر ادبی و فلسفی)



دکتر محمدرضا شعبانی

تکدرخت و تأویل آن

(بررسی داستان تکدرخت عبدالحسین زرّین کوب از منظر ادبی و فلسفی)

مؤلف:

دکتر محمدرضا شعبانی



سرشناسه	: شعبانی، محمدرضا، ۱۳۴۹-
عنوان و نام پدیدآور	: تکدرخت و تأویل آن: (بررسی داستان تکدرخت عبدالحسین زرین کوب از منظر ادبی و فلسفی) / مولف محمدرضا شعبانی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات زوار، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۴ ص.
شابک	: 978-964-401587-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۶۹ - ۱۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: بررسی داستان تکدرخت عبدالحسین زرین کوب از منظر ادبی و فلسفی.
موضوع	: زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۰۱ - ۱۳۷۸. تکدرخت -- نقد و تفسیر
موضوع	: داستان های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian fiction -- 20th century -- History and criticism
رده بندی کنگره	: ۸۰۷۶PIR
رده بندی دیویی	: ۳/۶۲۰۹ف۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۴۹۸۹۴۴



انتشارات زوار

■ تکدرخت و تأویل آن ■

■ مؤلف: دکتر محمدرضا شعبانی ■

■ صفحه آرای: مریم جهانتاب ■

■ طراح جلد: مریم عمارلو ■

■ ناظر چاپ: فرناز کریمی ■

■ نوبت چاپ: اول؛ زمستان ۱۳۹۹ ■

■ شمارگان: ۲۲۰ نسخه ■

■ چاپ و صحافی: سیمین ■

■ شابک: ۸-۵۸۷-۴۰۱-۹۶۴-۹۷۸ ■

■ تهران؛ خیابان انقلاب؛ خیابان دوازدهم فروردین؛ نبش شهیدنظری؛ پلاک ۲۷۸ ■

■ تلفن: ۶۶۴۶۲۵۰۳-۶۶۴۸۳۴۲۳-۶۶۴۸۳۴۲۴ نمابر: ۶۶۴۸۳۴۲۴ ■

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

تقدیم و پیشکش به دو استاد صاحب قلم

استاد دکتر قدمعلی سرآمی نخستین شخصی بود که درخصوص

تکدرخت نوشت و استاد دکتر جلال ستّاری که در عرصهٔ معماهای

اسطوره‌شناسی سالها زحمت فراوان کشیده است.

فهرست مطالب

سخنی با خوانندگان.....	۹
۱: زرین کوب و تکدرخت.....	۱۳
۲: تکدرخت.....	۳۳
۳: اندیشه‌های فلسفی در داستان تکدرخت (استاد عزت‌الله مهدوی).....	۸۱
۴: زیبایی‌شناسی داستان تکدرخت (بررسی فرم و محتوای تکدرخت).....	۱۰۳
۵: درخت از نگاه اساطیری و ادبی.....	۱۲۵
۶: بررسی داستان تمثیلی تکدرخت.....	۱۳۳
فهرست اعلام.....	۱۶۱
فهرست منابع.....	۱۶۷

«داستان به تنهایی می‌تواند وظیفه ادبیات حماسی را به انجام رساند»

(ویلهم دیلتای / ۲۷۲)

شعر و تجربه

Wilhelm Dilthey

سخن با خوانندگان

کتابی که پیش‌رو دارید داستان تکدرخت اثر استاد عبدالحسین زرّین‌کوب است. زرّین‌کوب اغلب از منظر تحقیقات ادبی و تاریخی مورد ملاحظه و شناخت بوده است. این بار یکی از بهترین کارهای هنری ایشان مورد نقد و نظر قرار گرفته است. کتاب بجز متن داستان، حاوی پنج قسمت مجزاست که از مناظر مختلف به داستان پرداخته است.

بخش نخست کتاب با عنوان «زرّین‌کوب و تکدرخت» است. یکی از ضرورت‌های شناخت زرّین‌کوب پرداختن به جنبه هنری داستان‌پردازی وی است. داستان تکدرخت قابلیت آن را دارد که به زبان انگلیسی درمی‌آمد تا جز فارسی‌زبانان، این شاهکار او را می‌خواندند. تکدرخت مجرد یک داستان فلسفی نیست. بلکه اثری هنری‌گونه و ترکیبی از هنر و فلسفه یکجا در داستان منظورش بویژه آنکه داستان را بهترست در یک پیکره کلی نگریست. لذت‌بخشی داستان ما را از فضای زمان معمول و کرونوسی به عرصه زمان کایروسی می‌برد. در تکدرخت ما دچار «آناتی» می‌شویم و بیشک این یکی از عوامل التذاذ خوانندگان از خواندن تکدرخت خواهد بود.

بخش دوم کتاب، متن کامل «تکدرخت» است که بی‌هیچ دخل و تصرفی از کتاب «یادداشت‌ها و اندیشه‌ها»ی استاد برداشته شده است.

بخش سوم با عنوان «اندیشه‌های فلسفی در تکدرخت» یکی از مهمترین و زبده‌ترین نوشته‌های این کتاب محسوبست. نویسنده این قسمت دوست فرهیخته و فرزانه‌ام استاد عزت‌الله مهدوی دانشور رشته فلسفه است. ایشان بر نگارنده منت نهاد و صفحاتی از برگ‌های این کتاب را به نگرش فلسفی تکدرخت پرداخت. با آنکه نوشتار وی موجز است اما پخته و فخیم و ژرف‌نگرانه است و قابل فهم. زبان او ساده اما هیچ بخشی از نوشته، فدای سادگی بیان نشده است. عزت‌الله مهدوی ضمن بررسی مختصر و مفید نظرات برخی فیلسوفان یونان و عصر پس از رنسانس به ماجرای روح پرداخته و بدین نتیجه رسیده که در تکدرخت این روح همان سیر و تکامل تدریجی «تکدرخت» داستانی و سیر کاملاً این جهانی و زمینی اوست. مؤلف تکدرخت قصد دارد از متافیزیک حاکم بر داستانهای رمزی حکیمان بزرگ عبور کند. هدف او این است که مختصات متافیزیکی فراطبیعی را به مختصات طبیعی بدل کند. زرین‌کوب فرزند دنیای مدرن است، به همین خاطر «تکدرخت» او در کوه قاف و در سپهر عرفانی عارفان نیست بلکه در همین زمینی است که مادرش طبیعت است. این طبیعت شر نیست و باید با تمام وجود از طریق همین هستی خاکی به تکدرخت منحصره‌فرد و یگانه خود نایل آید. تکدرخت در نظر استاد مهدوی کیستی نیست بلکه چیستی است و آنهم البته بیان سیر کائنات است... همین‌جا با زبانی قاصرانه با کمال

احترام و منت از او سپاس دارم و خوشحالم که این اثر را به خامه علمی و متین و پاکیزه خود آراست.

بخش چهارم با عنوان «زیبایی‌شناسی تکدرخت» در حقیقت بررسی فرم و محتوای داستان است. متافیزیک داستان، متافیزیکی زمینی است و بی‌آنکه زرین‌کوب آن را در فضاهای ایدئولوژیک عصری خود طرح کند وصول به بی‌نیازی را در عشق به همین طبیعت و هستی خاکی دانسته و جُسته است. وی کاملترین سیر نهایی را رسیدن به قلمرو جمادی و سنگی خوانده است و این درست خلاف آنچه در مکتبهای عرفانی معهود سنتی رسیدن به ورای عالم فرشتگی و آنچه اندر وهم ناید آن شود جُسته‌اند، می‌باشد. ادبیت تکدرخت از این نظر بی‌عیب و نقص است و الحق داستان با فرمالیسمی عالی پدید آمده است. زرین‌کوب نابترین مفاهیم بنیادی فلسفی را با زبانی روان و سلیس در داستان تکدرخت به بیان آورده و این همان فرم داستان و به تصویرکشاندن محتویات آن، خود گویای بلاغت استادانه و هنری وی است.

بخش پنجم کوتاهترین قسمت کتاب تحت عنوان «درخت از نگاه اساطیری» است. در این بخش به کارکرد ویژه درخت از منظر اسطوره‌ای نگریسته شده، درخت عمده‌ترین موضوع همذات‌پنداری آدمی در درازای تاریخ اساطیری است. جاودانگی و سرسبزی و اینکه روح درخت به صورت انسان مجسم می‌شده و آنکه درخت عامل پیوند زمین و آسمان است و در اکثر فرهنگهای ملل کهن تقدسی شایان داشته خاصه در مفهوم فناپذیری و دیرندگی و باروری و درعین حال سرچشمه بيمرگی و حیات محسوب می‌شده

است و اینهمه در تکدرخت داستانی ما کاملاً بارزگونه و قابل شهودست. بخش پایانی کتاب مقاله نگارنده با عنوان بررسی داستان تمثیلی تکدرخت است که در سال ۱۳۹۶ منتشر شده و ما تمام آن را در این اثر ذکر کردیم. در این نوشتار «تکدرخت» را نه چستی بلکه کیستی موردنظر داشته‌ایم و آن داستان را بیان «زندگینامه روحی و شاعرانه» استاد زرین‌کوب خواندیم. ضمن آنکه به اهمیت فلسفی نیز واقف بوده و اشاراتی در خور یادآوری ذکر کردیم.

امید است این اثر که به تمام دوستداران آثار ارجمند دکتر عبدالحسین زرین‌کوب تقدیم می‌شود راهگشای فکر و مایه لذت خاطر خوانندگان شود. هدف نگارنده پی‌بردن به راز زیباییهای داستان تکدرخت و ایجاد افقی تازه و بدیع در اذهان مخاطبان است. خوشنود خواهم بود که توانسته باشم به چنین هدفی دست یافته باشم.

سرانجام بر خود وظیفه می‌دانم که از سرکار خانم مریم جهانتاب که زحمت تایپ و صفحه‌آرایی کتاب را با اخلاق کریمانه پذیرا شدند و همچنین جناب آقای علی زواری مدیر محترم و متواضع انتشارات زواری که با همه‌گونه لطف و مهربانی چاپ و نشر این اثر را در این بازار کساد کتاب متقبل شدند صمیمانه تشکر نمایم. برای هردوی این عزیزان سلامتی جسم و صحت جان آرزو مندم.

گر دسته گل نیاید از ما هم هیزم دیگ را بشائیم!

محمدرضا شعبانی

مهر ۱۳۹۹

۱

زّین کوب و تکدرخت

«نوشتن یک مطلب دشوار نیست، نوشتنش دشوار است.»

(لئون تولستوی)

سیری در نقد ادبیات روس / اندرو فیلد

زرین کوب و تکرخت

استاد دکتر عبدالحسین زرّین کوب متولد ۱۳۰۱ هـ. ش بیست و هفتم اسفند در بروجرد است. وی صاحب آثار باشکوه و متنوعی است، گستره موضوعی و پژوهشی آثار استاد به قدری چشمگیر و متضلع است که براحتی نمی توان در یک چشم انداز از آنها سخن گفت. بویژه آنکه فراوانی اطلاعات و زمینه پردامنه تحقیقات ادبی، عرفانی و تاریخی خاصه مهارت او در سپهر نقد ادبی آنها در سطح نظریه پردازی آنچنان است که منتقد امروز بی درنظر داشت آن مقولات قادر نخواهد شد تصویری که سزاوار اوست؛ به دست دهد. در واقع فقدان نقد ادبی درخصوص آثار زرّین کوب موضوعی است جدی و معمولاً در هر کشور رو به رشد و یا مترقی در باب محققان و صاحب قلمان باتجربه تا آنجا که ممکن است صاحب نظران وظیفه خود دانسته تا تصویری معقول و حتی الامکان در خوری از بزرگان و فرهیختگان به خوانندگان ارائه دهد.

آثار زرّین کوب بجز تنوع موضوعی حاوی گستردگی قابل عرضی در

ساحت پژوهش علوم انسانی خاصه در عرصه‌های تاریخ ادبیات، زندگی‌نامه‌یی، نقد ادبی، تاریخ، فلسفه، کلام و ملل و نحل و مطالعات تاریخی و اسلامی و اساساً بهره‌مندی این آثار از دانش سنتی و در عین حال برخوردار از فراوان از نگرشهای نوین و امروزمین است.

زرین‌کوب به فلسفه قدیم شرق و غرب چه در حوزه‌های علوم اسلامی چه در تفکر قدیم و جدید غرب بخوبی هرچه تمامتر آشنایی داشت. کافی است به چند دفتر - کتاب - گونه‌گون منتشرشده ایشان به نامهای «دفتر ایام»، «یادداشتها و اندیشه‌ها»، «از چیزهای دیگر»، «نقش بر آب» و «نه شرقی نه غربی انسانی» بخصوص کتاب «در قلمرو وجدان» نگاهی افکنده شود. آنموقع خواهیم دانست استاد در چه عرصه‌های متنوعی قلم‌پردازی کرده، کتب نامبرده بجز «در قلمرو وجدان» همگی مجموعه گفتارها، مقالات، تأملات ایشان در ساحت‌های مختلف و البته نشان از دانایی وی در فضای اندیشگی است.

بیشک اندیشمندی سترگ چون او خیلی حرف‌ها و سخنان داشته اما آیا توانست همه آنچه می‌بایست بازگو کند، بیان کند؟ به نظر نگارنده شاید نتوان با قطعیت سخن گفت اما در عمق گفته‌های استاد شاید بسی گفته‌ها احساس کرد و به تصور آورد. البته چنانکه گفته‌ام این موضوعی شخصی درخصوص تمامی آثار استادست که سالهای سال با آنان مأنوس بوده‌ام. با برخی از آنان به تأمل نشسته‌ام و زیسته‌ام. زیستن با آثار بزرگان کاری است پردامنه و نیازمند حوصله‌یی درخور است، زیستن با تک‌تک گفتارها و تأملات در زوایای سخنان کاری آسان نیست. با اینهمه بخوبی می‌توان دانست که

زرین کوب از پرداختن به موضوعات کلیشه‌یی سخت پرهیز می‌کرد و همواره حرفهای مستقل خود را در مطاوی و خلال آثارشان ابراز داشته‌اند، بویژه که وی صاحب‌نظر و فردی با نگرشهای منحصر‌بفرد یک محقق مدرن امروزی بود و به موضوعات مورد‌نظرش توجه داشت. استاد از تحقیقات فسیلی و بی‌ارزش و منجمد پرهیز و ابا داشت^۱. با اینهمه گرچه در آثار فراوان و پرازش زرین کوب حقایق ادبی و تحقیقات خاص مشاهده می‌شود چنانچه قلم زرین‌نگار وی به نوشته و سخنان استاد مایه ارزشمندتری بخشیده اما نمی‌توان و نباید گمان داشت، که هرآنچه گفته و نوشته‌اند همه آن چیزی است که باید گفته می‌شد و گفتنی‌های ایشان به آخر رسیده بلکه چنانکه در جای دیگر گفته‌ام استاد بیش از آنچه می‌نوشت، می‌دانست^۲. کمند کسانی که چنین باشند و شاید نسل امروز دیگر به چشم خود نتوانند چنین اشخاص نادرالوجودی را درک کنند.

با اوصاف گفته‌شده قصد نگارنده اینست که زرین کوب را نباید صرفاً به تألیف و تحقیق جدی در عرصه ادب نگرست و محدود انگاشت. یکی از وجوهای عالیه و هنری آثار ایشان، بخش «داستان‌نویسی» وی است. به جرأت می‌توان گفت هرگز استاد را در عرصه هنر داستان‌پردازی نکاویده‌ایم. بیشتر و اغلب او را در عرصه‌های تحقیقات آکادمیک و درازدامن جسته‌ایم. تازه در این زمینه‌ها نیز شاید چنانچه باید و شاید کاری سترگ صورت نداده

۱. سرباز علم، سرباز فرهنگ، ۸، دکتر محمدجواد حق‌شناس، ۱۳۸۳

۲. جهانی در خلوت تنهایی، بررسی آرا و نظریه‌های ادبی استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، ۲۳،

محمدرضا شعبانی، ۱۳۹۹

باشیم. با اینهمه در بخش داستانی زرین کوب چندان شناخته نشده است، حتی اهل ادب این نوع نوشتار ارزشمند استاد را چندان دنبال نکرده و شاید بتوان گفت کمتر می‌شناسند!

ما در این اثر نه چندان پربرگ به یکی از این آثار هنری استاد نگریسته‌ایم. کاش «تکدرخت» که هم به شکل مستقل منتشر شده^۱ و هم در مجموعه مقالاتی تحت عنوان «یادداشتها و اندیشه‌ها»^۲ به چاپ رسید؛ حداقل به زبان انگلیسی ترجمه می‌شد. بیشک اگر انگلیسی‌زبانان به این داستان هنرین دکتر زرین کوب آگاهی یابند و آن را بخوانند، خواهند دانست که داستان تکدرخت جزء شاهکارهای داستانی ایرانی محسوب خواهد شد.

«تکدرخت» که قریب به پنجاه صفحه است از کارهای هنری و بسیار زیبای دلاویز داستانی است. کسانی که این داستان سمبلیک (symbolic) را خوانده‌اند و اگر بخوبی خوانده باشند خواهند فهمید که داستانی بس زیبا و کم‌نظیر و حتی می‌توان گفت، بی‌اندازه پرشکوه و دل‌انگیز و چنانکه گفته شد از شاهکارهای استاد است. با قلمی شیوا و صمیمی و بی‌هیچ تکلفی نگاشته شده است. زبان تکدرخت در عین شکوهمندی، روان و خودمانی و البته در ورای این زبان فلسفه تفکربرانگیزانه‌ای نهفته است؛ زرین کوب در این اثر دلاویز، خواننده را به تأمل در باب هستی‌شناسی (ontology) آدمی از زبان پدیده‌های طبیعت نظیر سنگ و درخت و صخره و گیاهان و... جماد و

۱. تکدرخت، دکتر عبدالحسین زرین کوب، نشر گواه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۲. نخستین چاپ کتاب «یادداشتها و اندیشه‌ها» شامل ۳۴ مقاله به کوشش عنایت‌الله مجیدی، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۱ منتشر شده است.

نبات چنان دیالکتیک فلسفی می‌کنند، که در ابتدای امر نمی‌توان پی به این دیالوگهای نهانی برد. در ورای داستان، فلسفه مرگ، زندگی و در یک کلام «بودن» و «شدن» و ماجرای فلسفه اگزیستانسیال (existential) یا اصالت وجودی و فردیت‌یافتگی تکدرخت به بهترین شکل وجودی با قلم سحرانگیز استاد به شکل گفتگو با پیردرختی مطرح گشته است. تکدرخت ابتدا در سال ۱۳۴۷ در چهل و شش سالگی استاد نوشته شد. این حقیر با فاصله بسیار زیادی سعادت یافت تکدرخت را تحلیل‌گونه‌یی کند سال ۱۳۹۶.

به جرأت می‌توان گفت ناب‌ترین قضایای هستی‌شناسی انسانی از زبان تکدرخت و دیالوگ با پیر درخت و صخره که در ورای آن فلسفه اصالت وجودی نهفته است، طرح و تبیین شده است. اما این موضوعات فلسفی‌گونه گفته شده هرگز در مطاوی داستان تکدرخت به شکلی بارز بیان نگشته اصلاً خاصیت داستانوارگی این نیست که مطالب و موتیوها (motif) و مضمونهای فلسفی‌گونه به صورتی محسوس و دیدنی در سطر سطر سخنان و دیالوگها موج زند. در این صورت دیگر با داستان روبرو نیستیم، بلکه با یک گزارشنامه و انشای درسنامه‌یی مواجهیم.

تکدرخت مجرد بیان یک فلسفه بخصوص نیست. داستان آدمی منحصر به فرد ویژه و یونیک (unique) است. با شخصیت و تیپیکال (typical) یک تکدرخت.

۱. مقاله «بررسی داستان تمثیلی تکدرخت اثر استاد دکتر عبدالحسین زرّین کوب»، از نگارنده، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۶ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر